



COMIC CITY

DC COMICS™

8

THE FLASH

SEASON ZERO



KREISBERG
WALCZAK
EIKMEIER
HESTER
GAPSTUR
KELSEY



THE FLASH

SEASON ZERO

FREAK SHOW

Part 8
"THE BIG FINALE"

Story Andrew Kreisberg
Script Brooke Eikmeier
& Katherine Walczak
Pencils Phil Hester
Inks Eric Gapstur
Colors Kelsey
Letters Deron Bennett
Editor Alex Antone

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی
The Flash: Season Zero Chapter 8™ and © 2014 DC Comics.
All Rights Reserved.

COMIC CITY



وای پسر، همه
طلسم شدن!

دکتر ولز؟
چیکار کنم؟

باید اونارو
از اونجا ببری
بیرون. تماسشون رو
با قدرت بیلنس محدود
کنی.

آیریس!







من فکر کردم قراره
اینکار رو کنیم که
همه رو با هم متحد
کنیم، نیتان!



ما هممون
غیر عادی بودیم!

من دختر عجیبی
بودم که دوست داشت
با خزنده ها بازی
کنه.

تو بودی که باعث
شدی حس کنم جایی
هست که منم بتونم توش
عضو باشم.





دروغم بهت این بود که بهت گفتم بین ما جایی داری!



تو از ما نیستی. دیگه نیستی.

دیگه چیزی نمونه ...





نمایشت
تموم شد
بیلیس!







اینجا
چه خبره؟

یه نوع
مانور زلزله است؟

همه آرام
باشین، من مامور
پلیسم.



ادی، اون
چی بود؟

نمیدونم، ولی
سرم بدجور درد
میکنه.



ای جونم،
کار رفیق
خودمه!

سیسکو!
کیتلین! اینجا
چیکار میکنین؟



اممم ... نکنه
مسابقه رو از دست
دادیم؟



به خاطر این
کارت میمیری،
عوضی!



رو من
اسم نزار.



میدونی بهترین
چیز راجع به
سیرک چیه ...

FATHUOOM



حالا بیلِس دِیگه
همیشه تماشاچی داره. ولی
فقط یه دونه.



آزمایشگاه استار

مطمئنی این
براش بسه؟

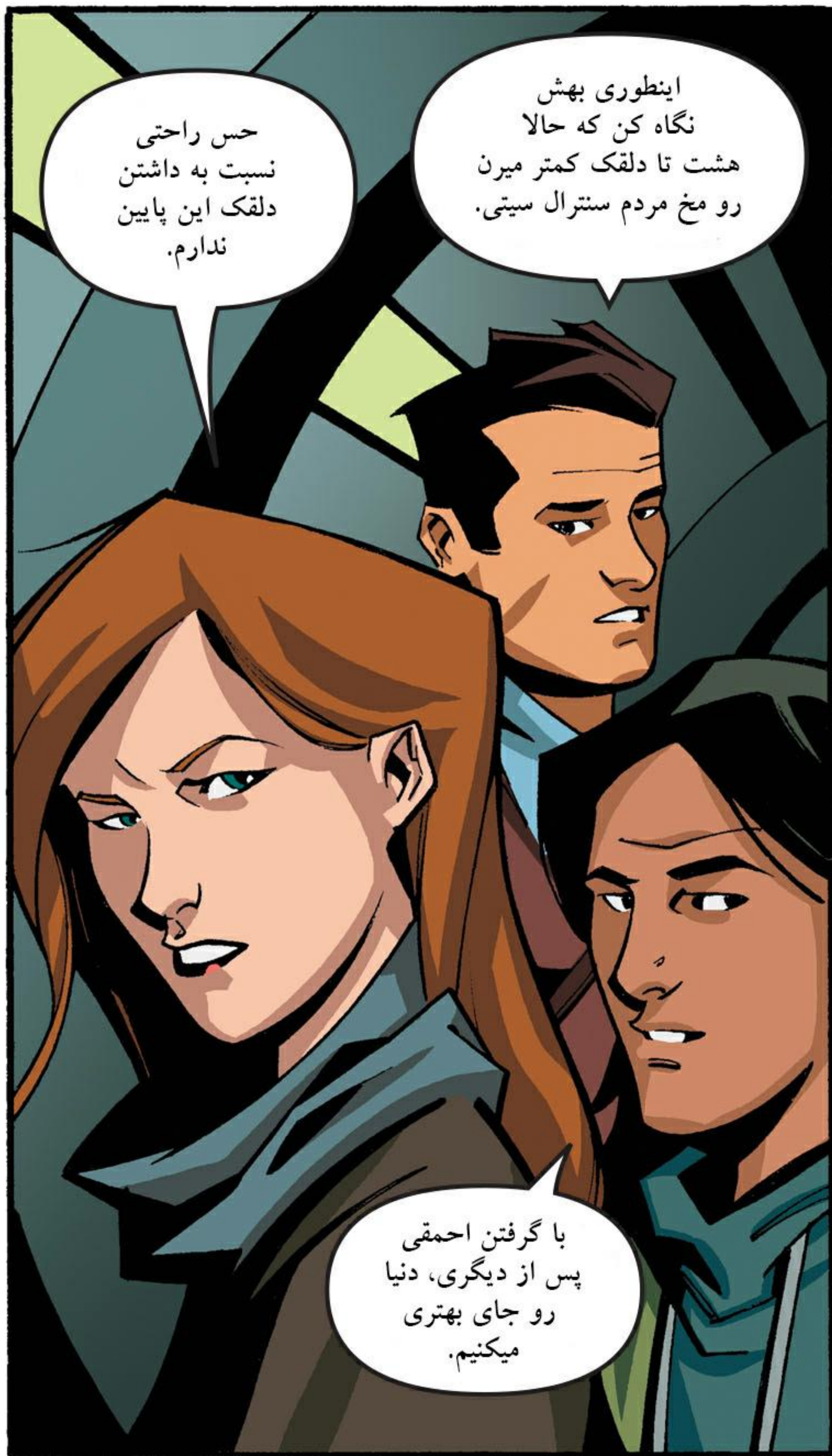
این یه شیشه ی
یه طرفست.

ما میتونیم اون تو
رو بینیم، ولی اون نمیتونه
بیرون رو ببینه.

نه!!

وقتی که فقط میتونه
خودش رو ببینه، نمیتونه
از قدرتش بر علیه هیچکسی
استفاده کنه!

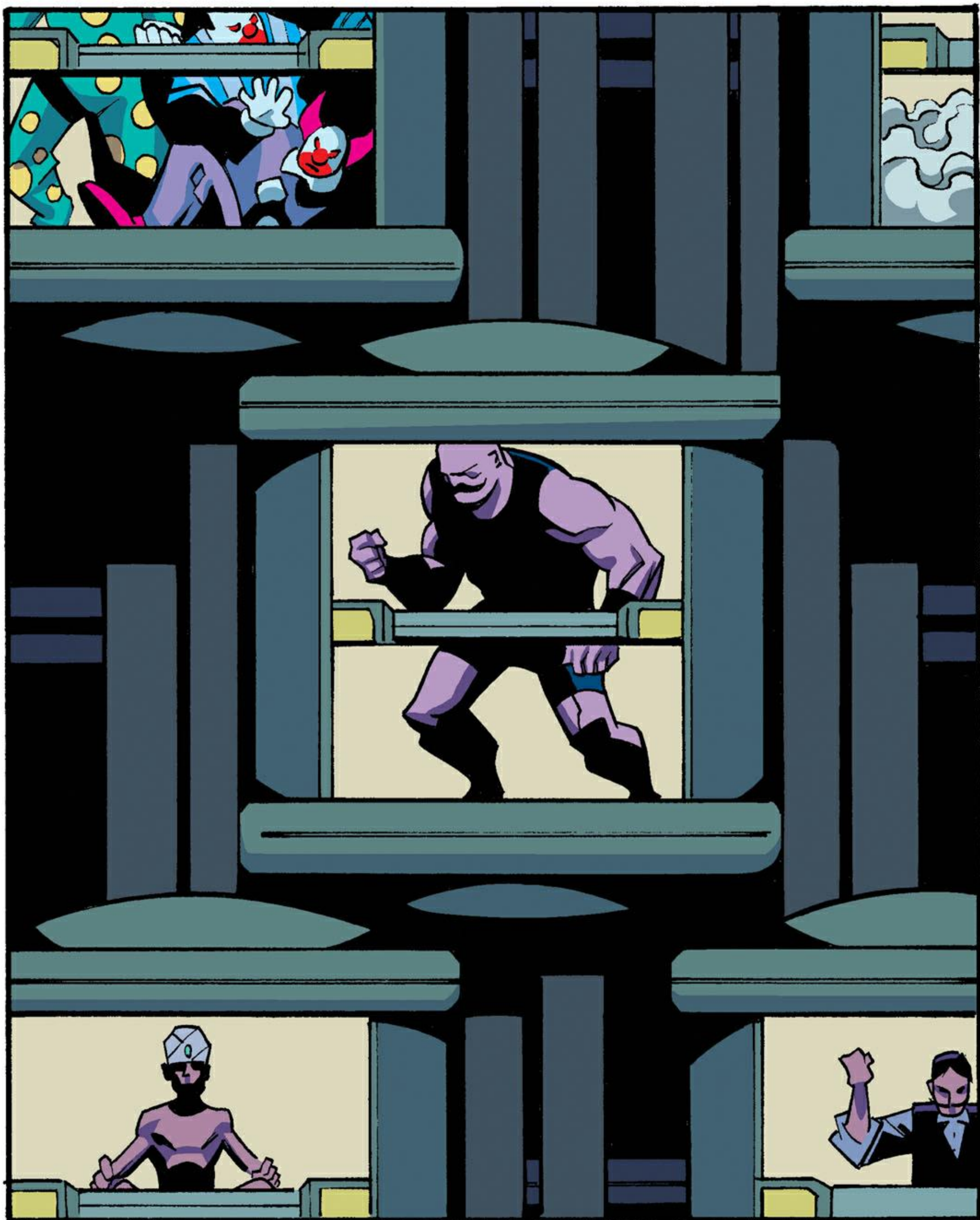




حس راحتی نسبت به داشتن دلک این پایین ندارم.

اینطوری بهش نگاه کن که حالا هشت تا دلک کمتر میرن رو مخ مردم سنترال سیتی.

با گرفتن احمقی پس از دیگری، دنیا رو جای بهتری میکنیم.





اه! سیسکو
نمیتونه این شکالاتای
پروتئین رو خوشمزه تر
درست کنه؟

داره روشون
کار میکنه.

حالت
چطوره؟



یه کم حس
بی حسی دارم.

خوب به هر حال
خالی کردن کل یه
استادیوم انرژی زیادی
از یه نفر میگیره.



آره خوب، ولی
دیگه به این کارای
عجیب غریب عادت
کردم.

تو بهش میگی
عجیب غریب، من بهش
میگم قهرمانانه.



از پلیسه.
باید بدوم برم.

BZZZT

اصطلاح نبود.

تو تمام زندگیم
عجیب بودم.

عاشق علوم بودم.
مامانم به قتل رسیده بود.
بابام تو زندان بود.

ولی یاد گرفتم که غیر
عادی بودن همیشه
چیز بدی نیست.

تورو متفاوت نمیکنه...

...تورو خاص میکنه.



قسمت بعدی:

سیگنال های اسموک

مهمان ویژه: فلیسیتی اسموک

ترجمه شده در:

کمیک سینتی

مراجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: www.comic-city.ir

کانال ما در تلگرام: @ComicCityIR

COMIC CITY